تأثیر فصل بهار بر اشعار علی پدرام شاعر تات زبان تاکستانی

۱-محمد رحمانی، ۲-جواد رحمانی، ۳-لیلا رحمانی

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان

۲-دکتری تخصصی زبانشناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

۳-کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد تاکستان

۱-پست الکترونیک: elmfarhang@chmail.ir

۲-پست الکترونیک: javad.rahmani.zaban@gmail.com

۳- پست الکترونیک: leila.rahmani.adab@gmail.com

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی تأثیر فصل بهار بر اشعار علی پدرام شاعر گویش تاتی تاکستانی و به آداب و رسوم این منطقه در ایام عید می‌باشد.بهار در فرهنگ و ادب گویش مذکور از جنبه تصویرسازی‌های شاعرانه همراه با توصیفاتی از باغ و دشت حائز اهمیت است. فصل بهار با داشتن ویژگی‌های مختلف تأثیر شگرفی بر زندگی مردم داشته، از این رو هر قوم و ملّتی با شیوه‌ای خاص با آن روبرو شده که موجب پیدایش آداب و رسوم خاصی در این خصوص گردیده است. مقاله حاضر علاوه بر اینکه به فرهنگ و آداب و رسوم تات زبانان تاکستان در سه مقوله چهارشنبه‌سوری، نوروز و سیزده‌بدر که از بهار متأثر شده است اشاره دارد، بلکه به توصیف و تحلیل تصاویر شاعرانه فصل بهار، در اشعار پدرام نیز اختصاص یافته است. جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. بنابراین، در این تحقیق به توصیف و تحلیل تصاویر شاعرانه فصل بهار، در اشعار پدرام پرداخته می‌شود. در این پژوهش سعی شده با مراسم و اشعار ویژه‌ی این ایام به تصویر کشیده شده و به تأثیر بهار در شکل‌گیری این آداب و رسوم اشاره شود.

واژگان کلیدی: بهار، تات، آداب و رسوم، فرهنگ، پدرام

۱- مقدمه

ادبیات آیینهٔ تمام نمای فرهنگ و اندیشه یک ملت است. این سخن بدان معناست که آنچه آدمی می‌اندیشد و هر آنچه به صورت رفتار خاص از وی سر می‌زند در ادبیات نمایان است. از همین رو می‌توان با مطالعه آثار ادبی یک سرزمین به زوایای نهان و آشکار مردمان آن پی برد و علاوه بر شناخت دیدگاه اقوام مختلف نسبت به پدیده‌ها و موضوعات گوناگون، رسوم و آیین‌های ایشان را نیز در مناسبت‌ها و وقایع مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از سوی دیگر، ادبیات رسانه عواطف و احساسات بشر است و چنانچه این مقوله را به عنوان یک کلّیت در نظر بگیریم احساسات آدمی به طبیعت و پدیده‌های مربوط به آن می‌تواند به عنوان جزئی از این کل محسوب گردد. نیاز به آوردن دلیل برای این مدعا نیست چه آن دسته از آثار ادبی که به وصف طبیعت می‌پردازد در اکثر دیوان‌های شاعران و بزرگان ادبی ما به چشم می‌خورد تا آنجا که بسیاری از آثار نغز بجا مانده در ادب فارسی تبدیل به تابلوی منحصربه‌فردی از طبیعت شده و نمایی زیبا از جلوه‌های طبیعی را پیشکش مخاطب می‌گرداند.

هر فرهنگ با توجه به موقعیت‌های تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، اعتقادی، مذهبی و... آئین‌ها و مراسم‌های مختلفی دارد. بهار که فصل تغییر، نو شدن و دگرگونی است بر روی بیش‌تر فرهنگ‌ها تأثیرات قابل‌توجه ای داشته است از جمله‌ی این فرهنگ‌ها، فرهنگ تاتی است. در ادامه ضمن بیان رسوم مردمان تات زبان تاکستان در فصل بهار، شواهدی از دیوان آوای تات اثر استاد پدرام - از کتاب‌های ارزشمند در زمینه‌ی شعر تاتی تاکستان – آورده خواهد شد.

بهار - فصل شکفتن و تغییر و تحول- بر فرهنگ، آداب و رسوم و اشعار اقوام و ملت‌ها تأثیر گذاشته است. این مردم همواره خود را برای استقبال از این فصل زیبا آماده ساخته‌اند. در طول گذشت سالیان زیاد نه‌تنها این آداب و رسوم از بین نرفته بلکه روز به روز غنی‌تر گشته‌اند. این آداب و رسوم و گفته زرتشت پیامبر ایرانی-گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک – موجب شده که مردم با هم زندگی صمیمانه داشته باشند. نگارنده سعی نموده با شیوه‌ی کتابخانه‌ای و میدانی، مطالبی ارائه نماید که بخشی از آداب و رسوم و اشعار بهاری تات زبان شهر تاکستان شامل چهارشنبه‌سوری، عید و سیزده‌بدر که در کتاب آوای تات اثر علی پدرام آمده را معرفی نموده و به بررسی تأثیر فصل بهار بر اشعار ایشان پرداخته شود.

گویش‌های تاتی روزگاری از آذربایجان تا شمال خراسان گسترده بودند ولی امروزه در بخشی از شمال باختری ایران، تنها جزیره‌هایی از گویش‌های تاتی در منطقه به جا مانده است. این جزیره‌ها در استان‌های قزوین، مرکزی، البرز، تهران، اردبیل، گیلان، زنجان، خراسان شمالی، اصفهان و آذربایجان شرقی دیده می‌شوند. (رحمانی،۱۳۹۶:۳۷)

تاکستان یا سیادن یکی از شهرستان‌های استان قزوین ایران است. این شهر در شمال غربی فلات مرکزی ایران قرار دارد. از طرف شمال و شمال شرقی به شهرستان قزوین و از غرب به شهرستان ابهر و از شرق و جنوب به شهرستان بوئین‌زهرا و آوج محدود می‌شود. (رحمانی، ۷:۱۳۹۲) مردم شهر تاکستان و حدود ده شهر و روستا در اطراف آن به زبان تاتی سخن می‌گویند. (رحمانی، ۴۱:۱۳۷۷) تاتی تاکستان از گویش‌های زبان تاتی از زبان‌های شمال غربی به شمار می‌رود.

علی پدرام شاعر تات زبان در سی‌ام اسفند ۱۳۲۵در شهر تاکستان به دنیا آمد. از آثار این نویسنده می‌توان به «آوای تات (مجموعه اشعار به زبان تاتی تاکستان)، نهج‌البلاغه منظوم، جای پای عبید زاکانی، داستان زد (ضرب‌المثل‌های تاتی تاکستان)، منظومه جمیله و جمال و منظومه سمک عیار» اشاره نمود.

۲- مبانی نظری

با رسیدن بهار، طبیعت ردای سبز بر تن می‌کند. چکاوک‌ها، هزاردستان و قمریان، نغمه‌ها و سرودهای فرح‌بخش و تازه سرمی دهند و انسان‌ها را به مهرورزی، گره‌گشایی و هم‌گرایی فرا می‌خوانند. بهار، پیام‌آور عشق و رویش است و موسم سرور و آشتی و به همین خاطر است که خواستنی است و با آمدنش دل‌ها سرشار از سرور و جان‌ها معرفت می‌یابد. بهار، پیام‌آور تعادل است و اینکه در سایه تعادل، زندگی زیبا می‌شود. با دیدن بهار، رحمت و محبت خداوند را به یاد می‌آوریم. چشمه مهر ایزد همواره به سوی آدمیان و همه موجودات، سرازیر می‌شود.

نوروز و آمدن بهار و طراوت دوباره طبیعت مورد توجه همه شعرای فارسی‌زبان بوده و هریکی با توجه زمینه فکری خود به نوعی به وصف نوروز و جلوه‌های زیبای طبیعت پرداخته‌اند. در این نوشته به شاعران تات زبان تاکستانی که نوروز و بهار را مضمون شعر خود کرده است، نمونه‌هایی ذکر شده و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

۳- پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی تأثیر فصل بهار بر اشعار علی پدرام شاعر تات زبان تاکستان، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و با توجه به خلأ مطالعاتی در خصوص این موضوع، پژوهشگران ترغیب گردیدند تا در زمینه یاد شده به یک تحقیق علمی بپردازند.

۴- روش گردآوری داده‌ها و هدف پژوهش

در این پژوهش که به بررسی تأثیر فصل بهار بر اشعار علی پدرام شاعر تات زبان تاکستان و به آداب و رسوم این منطقه در ایام عید پرداخته و از روشِ توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. داده‌ها از کتاب آوای تات اثر علی پدرام شاعر تات زبان تاکستان ثبت شده‌اند. هدف از پژوهش بررسی تأثیر فصل بهار بر اشعار علی پدرام شاعر تات زبان تاکستان است.

۵- تحلیل داده‌های بررسی تأثیر فصل بهار بر اشعار علی پدرام شاعر تات زبان تاکستان

در اشعار پدرام به برخورد پدیده‌ی طبیعی بهار با پدیده‌های مختلف انسانی و ایجاد فرهنگ‌های مختلف به معرفی آداب و رسوم تات‌ها درباره‌ی بهار پرداخته شده است. معمولاً مجموعه‌ی آیین‌های نوروزی از چهارشنبه‌سوری آغاز می‌گردد، اما در تاکستان این آیین در ده یا پانزده روز مانده به نوروز با ترانه‌های پیش‌قراولان نوروز (نوروز نامه خوان‌ها) که به « نوروز نو سال» معروف‌اند شروع می‌شود و در نهایت با آیین سیزده‌بدر نوروز پایان می‌پذیرد. نمونه‌هایی از اشعار علی پدرام درباره‌ی بهار عبارت‌اند از:

"vâhâr bomə hâvâ čeqæd emsâlə âliye

ræz bâ sæfâye čul də i tæxtə âlâliye

بهار آمد هوای امسال چقدر عالی است

باغ باصفا و دشت یک تخته پر از شقایق است

hoyyon lodə gəlinə velon mænzærə qæšænge

dulon monə værušə[1]velon jelvə âliyə

در کنار جوی‌ها منظره گل‌های عروس قشنگ

در میان قطعه‌های باغ جلوه گل‌های وروشه عالی است

dim mærzonə ælæf sozə mæxmæl vârinâye

čul rængrænge mændəri kermone qâliye

در سینه مرزها علف چون مخمل سبز است

دشت رنگ‌به‌رنگ و مانند قالی کرمان است

---

۱. گل لیلی

sörxə velon vəye vârin umvæzdene nəsim

del mæste hušə bær mišu hâli be hâliye

نسیم، گل‌های قرمز را مانند عروس به رقص در می‌آورد

دل مستانه از هوش می‌رود و حالی به حالی است

hoyyon monə rævændə vuyə qolqolə derâ?

yâ yâre væsfə âšeqe âvâze nâliye

در جوی‌ها آب روان است که قُل‌قُل می‌کند؟

یا آواز و ناله عاشق است که در وصف یار ترنم می‌کند

jænnæto tæjri tæhtehæl[۲]ænhâre mændari

engâ yæqin bəhešte âken ehtemâliye

پنداری بهشت است که در کف آن جوی‌ها روان گردیده

اینجا به‌یقین بهشت است و آن دیگری احتمالی است

tâzə vəyon čâder yâ deræxton šekufiye

yâ fâqe nosræton særədə lâmpe lâliye"

چادر بر سر نوعروسان است یا شکوفه درختان

یا بر سر نصرت‌ها لامپ و لاله است (پدرام،۱۷۸:۱۳۷۹)

*****

"ji revon pænjərimon pöštə bæhâre pâ sedâ mâ

medæme gây xâlə vâhâre nəsim gây mehə vâ mâ

pâ kunə pâ kunə əyde mâ čomâ râ yâ bælâ mâ

این روزها از پشت پنجره‌ی ما صدای پای بهار می‌آید

گاه نسیم نوبهاری می‌دمد و گاه باد مه می‌وزد

---

۲. تلمیح به آیه قرآن

پای‌کوبان پای‌کوبان عید است یا بلا که برای ما می‌آید

dære divârə hæmiš vâhâre æsære mâšâllâ

xâlə fer əydi mobâræk xâle vâhâre mâšâllâ

بر در و دیوار همه‌جا آثار بهار است ماشاالله

پسرخاله عیدت مبارک نوبهار است ماشاالله

âftâvud bæršo bošo âftâve xo tâzə hænær mâ

beškə ji vəymə deræxton velə xo əyde xæbær mâ

diye hečkæs kiyə də bæštə niye hosələ sær mâ"

آفتاوود[۳] گذشت و رفت و تازه از خورشید حرارت می‌آید

نگاه کن به این شکوفه‌های بادام که خبر از بهار می‌دهند

دیگر حوصله‌ها لبریز شده و کسی نمی‌تواند در خانه بماند (پدرام، ۱۳۷۹،۱۹۰)

***

"emsâlinə vâhâr čomas bæšti mone dâron vâron

æ omreme nivindimə i biyænə væšn vâron"

بهار امسال ما را حیران و سرگردان گذاشته است

من در عمرم چنین بارندگی ندیده‌ام (پدرام، ۱۳۷۹،۱۵۲)

۱-۵- نوروز نامه خوان‌ها و نوروز نامه خوانی

نوروز نامه خوان‌ها اکثراً اهل شمال یا طالقان که تات زبان نیز بودند، چند روز مانده به چهارشنبه‌سوری می‌آمدند و ترانه‌های نوروزی می‌خواندند و به عنوان مژده دهنده نوروز و نوروز نوسال معروف بودند. این‌ها خانه‌ها به خانه می‌رفتند و ترانه‌های نوروزی می‌خواندند نوروز نوسال خوانان دو نفر بودند و کیسه‌ای به

[۳]. ماه اسفند، یکی از برج‌های دوازده‌گانه فلکی است. آن به معنای این است که آفتاب بر روی هوت است. درگویش تاتی تاکستان چهار برج فلکی آمده و کاربرد داشته است: /sönbölə/ سُونبُوله (اوایل شهریور و اواخر پاییز)، عقربه ماه (آبان ماه)، قرصه ماه (آذر ماه)، آفتاود (اسفندماه). «برج‌های دوازده‌گانه فلکی در فارسی به ترتیب عبارتند از: حَمَل، ثَور، جَوزا، سَرَطان، اَسَد، سُنبُله، میزان، عَقرب، قَوس، جَدی، دَلو، حوت»

گردنشان آویزان می‌کردند و شعرها و ترانه‌هایی برای آمدن سال نو می‌خواندند، از جمله اشعار و ترانه‌های معروف آن‌ها این ابیات ذیل می‌باشد:

šomâ râ emsâl bâšæd mobârâk — noruz nosâl bâšæd mobâræk

« نوروز نوسال باشد مبارک — شما را امسال باشد مبارک

eide xo mâje tærone æzvær — noruze no sâl bomi pöšte

نوروزِ نوسال بومی پُشت بَر — عید خو ماجه ترونه اَز وَر

ænomeš mogo sörxe pænj qeron — xošerevon xo ândiye xæbær

خوشه رون خو آندی یه خبر — اَنومش موگو سرخه پنج قرون

æmone bevâr gændeme jâron — âi vâron vâron

آی وارون وارون — اَمونه بوار گندم جارون»

هر خانواده‌ای نیز به فراخور وسعش به نوروز نامه خوان‌ها هدیه‌ای می‌دادند هدیه‌ها یا نقدی از قبیل پول و یا غیر نقدی از قبیل قند، چای، کشمش و بادام بودند.

۲-۵- نوروز در فرهنگ تات

نوروز جشن ملی ایران و تات زبانان، جشن تجدید پیمان دوستی، صمیمیت و زدودن غبار کینه و دشمنی است در این ایام عواطف عمیق تات‌ها را رنگی سبز و تازه زده می‌شود. نوروز را که قرن‌هاست در هر فراز و نشیب در حد توان باشکوه درخور توجه برگزار می‌شده مغتنم شمرده‌اند و بین تات‌ها جشن تجدید میثاق صمیمیت و جشن مهر و آشتی است.

نوروز یکی از شادی‌های هزاران ساله و گرامی‌ترین جشن همبستگی قومی و ملی ایران، علل الخصوص برگزاری آن نمایان گر اصالت، هویت، جاودانگی و نشانه‌ای از جلوه‌های روح تات زبانان تاکستان است. خردمندی و دانایی قوم تات در وفاداری نسبت به سنن و مواریث ملی‌شان به‌وضوح مشاهده می‌شود. تات‌ها ایام نوروز را مقدس می‌دانند و تقدس این ایام و احترام به آن و تجلیل از این ایام به حدی برای تات زبانان گرامی و درخور توجه است که تات زبانان تاکستان در پاییز هر سال که محصولاتشان را جمع‌آوری می‌کردند ضمن تدارک لباس و غذا و غیره سهم نوروز را اول جدا می‌کردند به‌طوری که حتماً خودشان را پایبند به رسومات نوروز می‌دانستند و حتی از لباس خود می‌زدند یا اینکه برای خوردن پلوی عید دیگ یا شیئی را گرو می‌گذاشتند تا اینکه نسبت به بجای آوردن رسوم قصوری از خود نشان نداد باشند. در نوروز تمام کینه و کدورت‌ها رخت بر می‌بستند و دوران صلح، صفا ،صمیمیت و آشتی بود.

۳-۵- مقدمات نوروز

برای جشن نوروز از اسفندماه هر سال مقدماتی فراهم می‌شود تا به مرور برای روز عید تمام کارها آماده باشد بعضی از مقدمات نوروز بدین شرح است:

۱-۳-۵- از چند روز پیش از عید جنب‌وجوشی جدی و تدارکاتی حساب شده در خانه‌ها به وجود می‌آید. خانه‌ها را زن‌های تاکستانی تمیز و نظیف می‌کنند. در خانه‌ها باید تمام وسایل گردگیری، پاک و تمیز شود. ظرف‌های مسی را به رویگر می‌دهند و به اصطلاح «سفید» می‌کنند. ظروف غیره مسی را هم باید حتماً برای عید شستشوی مجدد داد تمام فرش‌های خانه را زن‌ها از قالی، قالیچه، گلیم، نمد و غیره را در منزل یا خارج از منزل کنار موتورخانه‌های آب که در سطح شهر وجود دارند می‌شویند. لحاف و تشک را می‌شکافند رویه و آستر آن‌ها را می‌شویند پشم آن‌ها را تجدید می‌کنند یا دوباره می‌شویند و به حلاجی می‌دهند حیاط و اتاق-ها را تا جایی که برایشان مقدور است تمیز می‌کنند و بدین‌صورت که ابتدا گل سفت را با کاه مخلوط می‌کنند و به‌وسیله آن چاله‌چوله‌های دیوار خانه‌های اندرونی و بیرونی را می‌پوشانند و دیگر اینکه خاک رُس را داخل آب له می‌کردند و به صورت گل‌آلود می‌شد و کاه نرم را که از قبل غربال شده بود به آن اضافه می‌کردند و به وسیله‌ی پارچه‌ای به نام «لیته» /liteh / با آن آغشته می‌کردند و به دیوارها می‌مالیدند که آثار خرابی خانه را از بین ببرد گل سفت همراه کاه را «سیم گیل» /simgil / و گل آغشته به خاک رُس با کاه نرم را «لاویّه» /laviyh / می‌نامیدند و یا اینکه از گچ‌وخاک رُس دوغابی درست می‌کردند و یک متر بالاتر اصطلاحاً «لاویّه» را از این دوغاب گچ‌وخاک رس سفید می‌کردند و اصطلاحاً به آن «ایسبیه لاویّه» /esbiyh laviyh / می‌گفتند و به اصطلاح فارس‌ها خانه سفیدکنی می‌کردند. تا آثار دود و کثافت کرسی زمستان برطرف شود و آن‌چنان که سال نو می‌شود حیاط اندرون و بیرونی هم یک لباس نو بپوشند. به نمونه های از تکاپوی شب عید که در اشعار پدرام موج می زند با دقت توجه کنید:

"vây čeme râ ke əyd mâ mogo tedârek vinemə

særem šoloqe čiyærem čiyæn kâron râšinemə

وای به من که عید می‌آید و من باید تدارک ببینم

سرم شلوغ است چه کنم؟ چگونه کارها را راه بیندازم

zomæstonə ki korsi də æro sâbâ gerdə gerem

lâččine monə lâluyon særəndiyær bičinemə

کرسی‌خانه زمستانی را امروز و فردا جمع کنم

رختخواب‌ها را در درگاهی روی هم بچینم

pærdə ægerem bidujem pellə otâqə dâvijem

pellə qâli âvæšdenem jâ otâqə bâšinemə

پرده بخرم بدوزم و در اتاق بزرگ بیاویزم

قالی بزرگ را بتکانم و در آن اتاق بیندازم

kærxâ mogo sörxə yærem teton râ əydi sâbedem

parčə kâr-o xænə sâben jurə yærem râšinemə"

باید تخم‌مرغ سرخ کنم و برای دخترها عیدی تهیه کنم

پارچه و حنا و صابون جور کنم و بفرستم (پدرام،۱۳۷۹:۱۴۴)

۲-۳-۵- از چند روز قبل از عید آجیل معمولی تاکستانی‌ها که مخلوطی از کشمش، مغز بادام، مغز هسته زردآلو، نخود و نقل بود تهیه می‌شد.

۳-۳-۵- شیرینی‌های عید غالباً نان ولی عهدی، زنجفیلی و غیره بود اما تات‌ها چند روز قبل از اینکه نوروز فرا رسد نان‌های شیرین محلی بخصوصی برای ایام عید تدارک می‌دیدند یکی نان‌شیرینی به نام «شیرینه گیردیِه» / širineh girdiyh /که شبیه شیرمال است و مخلوطی از دوشاب انگور، شیر،آرد، آب، زردچوبه و جوش شیرین که روی آن را با زرده تخم مرغ و شیر تزیین و رنگ می‌کردند و در تنور طبخ می‌شد. هم چنین نوعی نان شیرین کلوچه‌ای مانند به نام «اَگِردَک» / ægerdæk / بود که مخلوطی از همان نان شیرمال فوق است به اضافه‌ی این‌که آن را با روغن طبخ می‌کردند و بسیار لذیذ و خوشمزه است و هم‌چنین نوعی نان قندی به نام «قاق» /qâq/ از شهر می‌خریدند.

۴-۳-۵- از دو هفته به عید تهیه سبزه‌ی عید را می‌بینند، یعنی مقداری گندم، عدس، ماش یا تره تیزک سبز می‌کنند در تهیه‌ی سبزه‌ی عید بعضی‌ها تفنن زیادی به خرج می‌دهند و سلیقه‌های بخصوصی دارند.

۵-۳-۵- یکی دیگر از مقدمات نوروز تهیه تخم‌مرغ رنگی و آب پز شده است. تخم‌مرغ را با ادویه‌های رنگی یا پوست پیاز و یا پوست انار و ... رنگی می‌کنند و به رنگ‌های گوناگون در می‌آورند و برای دادن عیدی یا گذاشتن بر سر سفره عید آماده می‌کنند.

"xeyâvon kivčinə mon lâp šome bâzâre mâšâllâ

xâlə fer əydi mobâræk xâlə vâhâre mâšâllâ

کوچه و خیابان عین بازار شام شده است ماشاالله

پسرخاله عیدت مبارک نوبهار است ماشاالله

em zænon hær tæræfə vušvuše bi pâk râ kətidə

əydešon bu bæšonəsti hæmišon dæspâ kətində

bâzârə həy jiforušgâ jâ nemâyeškâ kətində

این زنان وول خوران به هر طرف راه افتاده‌اند

بوی عید را شنیده‌اند همگی به تلاش افتاده‌اند

در بازار مدام از این فروشگاه به آن نمایشگاه می‌روند

â ke xəyli dâmâqeš čâqe dekondâre mâšâllâ

xâləfer əydi mobâræk xâlə vâhâre mâššllâ"

آنکه دماغش چاق (سرحال)است دکاندار است ماشاالله

پسرخاله عیدت مبارک نوبهار است ماشاالله (پدرام،۱۳۷۹:۱۹۰)

۴-۵- مراسم هنگام تحویل سال

۱-۴-۵- حدود یک ساعت قبل از موقع تحویل سال، اگر تحویل سال، در نیمه‌شب باشد معمولاً شب عید سفره‌ی عید را می‌چینند، در سفره‌ی عید در حال حاضر هفت‌سین شهرستانی‌ها که در تمام ایران رایج هست به انتخاب هفت چیز که اول آن‌ها «س» است (یعنی با حرف «س» آغاز می‌شوند .) باید بر سر سفره چیده شود مانند: سبزه، سرکه، سمنو، سیب، سنجد، سیر و سکه. حتماً باید قرآن، گلاب، آینه، تخم‌مرغ و ماهی قرمز در سفره باشد. در تاکستان از زمان‌های قدیم بر سر سفره فقط قرآن، سبزه، شیرینی «گیردیه» ،«اَگِردَک»، آینه، گلاب و آجیل معروف تاکستانی‌ها به اضافه‌ی تخم‌مرغ رنگ کرده، «قیسی»

(زردآلوی خشک‌شده)، انجیر و... رؤیت می‌شد اما اقلامی که بر سر سفرهٔ عید دیده می‌شود هرکدام فلسفه‌ای دارند، قرآن بر سر سفره به خاطر عامل مذهب است معمولاً هنگام تحویل سال چند آیه‌ای تلاوت می‌کنند. آینه را به عنوان روشنایی به فال نیک می‌گیرند به‌علاوه بعد از خواندن و یا دیدن قرآن، در آینه نگاه می‌کنند. چون بعضی تصور می‌کنند که دیدن روی برخی از مردم در اول سال خوب نیست و به‌اصطلاح شگون ندارد و اگر اول سال، اول ماه و اول صبح چشم انسان بر روی اشخاص نحس بیافتد به آنان در طی سال، ماه و روز خوش نمی‌گذرد و هرکدام از هفت‌سین فلسفه‌ای دارد که مجال آن نیست.

۲-۴-۵- یکی دیگر از مطالبی که مربوط به تحویل سال است عقیدهٔ به منسوب بودن آن سال به حیوانی است که آن سال به اسم آن حیوان می‌گردد به عبارتی می‌گویند سال بر فلان حیوان می‌گردد نام دوازده جانور که عقیده دارند عبارت‌اند از: موش، گاو، پلنگ، خرگوش، نهنگ، مار، اسب، گوسفند، میمون، مرغ، سگ و خوک.

مردم تات عقیده دارند هر سال که روی حیوانی که می‌گردد در آن سال خوی آن جانور در زندگی عمومی اثر دارد، تصور مردم این است که سال موش، پلنگ، خرگوش، نهنگ، مار، میمون، و خوک خوب نیست و در آن سال خصوصیات مشابه با خوی آن جانوران در مردم ظاهر خواهد شد ولی سال گاو، اسب، گوسفند، مرغ و سگ خوب است مثلاً می‌پندارند که سال مار مردم از سختی زندگی مانند مار پوست می‌اندازند و حال‌آنکه در سال گاو و گوسفند فراوانی و وفور نعمت و امنیت برقرار است.

۳-۴-۵- از مسائل مهم به تحویل سال این است که اهل خانهٔ تات سعی می‌کنند که همه با هم بر سر سفرهٔ تحویل سال حاضر بشوند.

۴-۴-۵- همین‌طور سعی می‌کنند کینه‌ها و اختلافات را برطرف کنند و روز عید همه با شادی، خوشحالی و روی خوش به هم برسند و با خوش‌رویی از یکدیگر پذیرایی کنند، اگر در خانواده‌ای بین افراد خانواده کینه و کدورتی باشد به پیشنهاد و وساطت بزرگان خاندان رفع می‌شود.

۵-۵- مراسم شب عید نوروز

۱-۵-۵- تمام مردم باید در این شب قیمه‌پلو، ماهی پلو با سبزی قورمه، یا مرغ و پلو بخورند و پلو خوردن شب عید ما تات‌ها ضرب المثل است. گاهی هم مردان خیّر تات وسیله‌ی پلوی شب عید افراد فقیر یا همسایه را فراهم می‌کردند و بدون ریا و تظاهر به خانه‌ی آن‌ها می‌فرستادند. در ابیات زیر به هوای سردی اشاره می کند که در اوایل فصل بهار باغ ها را می سوزاند. شاعر این زیان به باغ را نیز از مصلحت اللهی می داند که باید در برابر آن صبر پیشه کرد:

"binâvâ bičâri râ emsâlinə hâvâ bælâye

særmâ fetrâtə dere pâk delonə holevælâye

هوای امسال برای بینوایان و بیچارگان بلاست

سرما بیداد می‌کند و در دل‌ها هول ولا هست

i kiyə qotbe jonube i kiye ostovâ xætte

xodâ qorbon beæemə ke čomâ em šær dö hævâye

یک خانه قطب جنوب است و یک خانه استوا

به قربان خدا بشم که شهر ما دو هوا دارد

harči nikbæt dere særmâ hæmə yəkjâ čomâ sær mâ

harči nemæt dere gærmâ čomâ xo derve jânâye

سرما هر چه نکبت دارد سرما می‌آید

گرما هرچه نعمت دارد از ما دور است و مال آن‌هاست

emsâlə særderæxti ye išâllâ bibælâye

qesmæt əgə be dæ reve bæd pâk čâqâliye

ان‌شاالله تعالی امسال سردرختی هست

اگر قسمت باشد ده روز بعد همه چاقاله می‌شود

emsâlə qærre qur nedere pârinə vârin

šeltâq niye vâhâr gemon olâde sâliye

هوای امسال مثل پارسال رعدوبرق ندارد

شیطنت نمی‌کند به گمانم که اولاد صالح است

âmmâ ræzon mâjendə tæk tuk

ji dærde qossi qəyre ræzədar ke hæliye

اما می‌گویند که قسمتی از باغ‌ها سوخته‌اند

از این غصه و درد جز باغدار چه کسی خبر دارد

puti særə biši mivə birben xiyâle mon

hâli niye čiyæn yære gærče fætæliyə

هرس‌کننده باغ بر سر بوتهٔ انگور به فکر فرو رفته

نمی‌داند چه کند اگرچه فتحعلی است

hâli niye ke kon bimine kone birbine

čon sâqə mivə xo kole hær pænjə xâliye

نمی‌داند کدامین شاخه را ببرد و کدامین را باقی بگذارد

چون هر پنجه بوته خالی از شاخه سالم است

čomâ i pâ hæmišə melænge če vâjemə

šâyæd emi də mæslehæte hæq tæâliye

چه بگویم که یک پای ما همیشه می‌لنگد

شاید این هم مصلحت حق‌تعالی است

ruzi bâlâm næ qesmæte vištar næ kæmtære

pedrâm rezq hærči be pišpiš hævâliye"

فرزندم روزی نه از قسمت تعیین‌شده کمتر است نه بیشتر

رزق پدرام هر چه باشد پیشاپیش حواله شده است (پدرام،۱۳۷۹:۱۸۲)

۲-۵-۵- اگر کسی نامزد کرده است باید شب عید از طرف خانواده‌اش برای نامزد (عروس) در مجموعه‌ی مسی بزرگی که به‌اصطلاح «تفت» /taft/ نامیده می‌شود پلوی شب عید آن‌ها را بفرستد این شام که شب عیدی معروف است معمولاً یک بشقاب پلو، میوه‌جات، کشمش، شیرینی، بادام، لباس، حنا، صابون، تخم‌مرغ، نقل، چارقد، چادر، کفش، جوراب، شانه، آینه، طلا و زیور و غیره در چند مجموعه‌ی مسی «تفت» که سرش را با پارچه‌ای می‌کشیدند می‌بردند و هرچه این مجموعه مسی بزرگ «تفت » و عیدی عروس را دیرتر می‌بردند برای ابهت عروس بهتر بود و بعد صاحب‌خانه موظف بود برای آورندگان عیدی و پلوی عروس سفرهٔ

شام بیندازد و این رسم را می‌بایست حتماً بجای آورند در قبال به آورندگان عیدی و پلوی عروس نیز عیدی از قبیل جوراب و غیره می‌دادند.

۳-۵-۵- در سال اول زناشویی و گاهی تا چندین سال در شب عید پدر و مادر عروس برای داماد شب عید عیدی هدیه می‌فرستادند اما این شب عیدی‌ها دیگر عوض ندارد و به‌اصطلاح دیگر «جایی ندارد» یعنی چیزی به جای آن به خانواده عروس برنمی‌گردد.

۴-۵-۵- شب عید را اهل خانه با سرور و نشاطی وافر به سر می‌کردند و وسایل فردا را آماده می‌ساختند به‌طوری که ممکن بود در این شب دیر نیز بخوابند.

۵-۵-۵- یکی از مراسم عید نوروز حنا بستن و آرایش زنان است. البته این شیوه ویژه نیم‌قرن پیش بوده و اکنون به آرایشگاه‌های مجهز زنانه مراجعه می‌کنند ولی در سابق حمام رفتن و حنا بستن حتماً انجام می‌گرفت خاصه در مورد تازه‌عروس‌ها.

زنان نیز به حمام می‌رفتند تا آثار خانه‌تکانی و تدارکاتی که برای عید دیده بودند اثر آن‌ها را زایل کنند و باطن و روح پاک و جامه‌ی تمیز و نو به پیشواز عید بروند.

۶-۵-۵- تات زبانان دو روز پس از چهارشنبه‌سوری یعنی در شب جمعه آخر سال و آخرین روز سال و یا در روز عید بنا بر یک رسم قدیمی با مراسم فاتحه‌خوانی بر مزار درگذشتگان و زیارت اهل قبور می‌روند و فاتحه‌ای می‌خوانند و خیراتی می‌دهند.

۶- نتیجه‌گیری

شناخت آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه به ما کمک می‌کند تا از چگونگی زندگی افراد و روابط حاکم بر زندگی آن‌ها اطلاعات زیادی به دست آوریم. این اطلاعات ممکن است مربوط به گذشتهٔ یک جامعه بوده یعنی این‌که افراد این جامعه در گذشته چگونه در طول سال‌های متمادی با هم زندگی کرده‌اند و فرهنگ کنونی حاصل تلاش‌ها و کوشش‌های آن‌ها بوده و این‌که آن‌ها توانسته‌اند با بهره‌گیری از این تلاش‌ها روز به روز بر بهبود شیوه‌ی زندگی جمعی خود تلاش نمایند.

در اینجا سعی نموده‌ایم با بیان تأثیرپذیری آداب و رسوم تات که از بهار نشأت گرفته را بیان نماییم. که این آداب و رسوم مربوط به ایام خاصی از سال چهارشنبه‌سوری، عید باستانی نوروز و سیزده‌بدر است. که خواننده با خواندن آن با بخشی از این آداب و رسوم آشنا می‌شود و این آشنایی باعث ایجاد ارتباط صحیح با این مردم می‌شود و در خواننده این انگیزه را به وجود می‌آورد که بیش‌تر دربارهٔ این آداب و رسوم، فرهنگ و اشعار اقوام مختلف همت گمارد. توصیه‌ی نگارنده به علاقه‌مندان به فرهنگ و رسوم اقوام مختلف ایرانی

انجام پژوهش بر روی قسمت‌های مختلف فرهنگ و عوامل تأثیرگذار بر آن است. این امر سبب شناخت ما از این اقوام و برنامه‌ریزی جهت زنده نگاه‌داشتن آن‌ها می‌شود.

فهرست منابع

پدرام، علی (۱۳۷۹). *آوای تات*. قزوین: انتشارات بحرالعلوم.

رحمانی، بهمن (۱۳۹۰). *تاریخ و فرهنگ تات*. تاکستان: انتشارات سال.

رحمانی، جواد (۱۳۹۶). *واژه شناسی گویش تاتی تاکستان*. تهران: انتشارات گیوا.

رحمانی، رضا (۱۳۷۷). آشنایی با شهر تاریخی تاکستان(سیادن). قزوین: انتشارات عبید زاکانی.

رحمانی، زینب (۱۳۹۲). *بررسی جغرافیا برنامه‌ریزی شهری شهرستان تاکستان و نقش آن در جذب توریسم*. تاکستان: انتشارات سال.

طاهری، عباس. (۱۳۸۸). *بررسی گویش تاتی تاکستان*. تاکستان: انتشارات سال.

فره‌وشی، بهرام، (۱۳۵۶). *جهان فروری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.